

## ازدواج غیر رشید، مجنون و بیمار جسمی یا روحی خطرناک

دکتر سید مرتضی قاسم زاده\*

«۱۳۸۰/۸/۱۳»

هیچ کس به ازدواج مجبور یا از آن ممنوع نیست. بیماران، اشخاص غیر رشید حتی مجانین نیز با شرایطی فرصت ازدواج دارند. البته چون مجنون فاقد اراده است، نمی‌تواند مباشر ایجاب یا قبول در عقد نکاح باشد و صیغه عقد را جاری کند، در صورتی که بیماران خطرناک جسمی و اشخاص غیر رشید چنین منعی ندارند. با وجود این چون در شرایط کنونی رسم چنان است که زن و مرد به دیگری (عاقده) وکالت می‌دهند و صیغه عقد را وکیل دو طرف جاری می‌کند، حتی اشخاص سالم و بی عیب نیز خود عقد را انشا نمی‌کنند بلکه با گفتن بلی، وکالت عاقد حرفه‌ای را در عقد نکاح می‌پذیرند، این خطر برای جوانان و اشخاص با حسن نیت وجود دارد که گرفتار پیمان زناشویی شخص مریض، غیر رشید یا مجنون گردند و ناخواسته طرف انشا یا قبول عقدی قرار بگیرند و خود را اسیر نمایندگی (وکالت) و در نتیجه عقد نکاح ناخواسته بکنند.

بنابراین پیشنهاد گردید که دولت، مسئولان قضایی و قانونگذار، برای ایجاد شرایط مساعد و پرکردن خلأهای قانونی در موارد ذیل اقدام نمایند.

اولاً - با تشکیل کلاسهای آموزشی رسمی رایگان در زمینه‌های مختلف، چنانکه گفته شد، شهروندان را با اهمیت، شرایط، احکام و باره‌ای از خطرات موجود و دام‌هایی که، ممکن است فرار روی اشخاص گسترده باشند، آگاه سازند.

ثانیاً - با تأسیس مراکز شایسته زمینه صدور پروانه‌های ازدواج را برای احراز توانایی و اهلیت قانونی واجدان شرایط فراهم نمایند. پروانه ازدواج که نشان دهنده توانایی و اهلیت دارنده آن است تاکنون در کشور ما مرسوم نشده است ولی قانونگذار می‌تواند پروانه خاصی را برای متقاضیان اجباری کند یا دست کم مرکز صالحی را برای صدور پروانه تأسیس و افراد را محییّر نماید که بتوانند از

طرف مقابل آن را مطالبه کنند. در این پروانه‌ها علاوه بر احوال شخصیه، وضعیت حقوقی دیگر اطلاعات لازم نیز ممکن است نوشته شود حتی می‌توان اطلاعات لازم درباره سلامت جسمی و روانی و وضع تحصیلی و شغلی اشخاص را در آن درج کرد. ارشادی یا اجباری نمودن پروانه‌های مذکور ضروری به نظر می‌رسد و اهمیت آن از اهمیت لزوم داشتن پروانه برای دیگر مهارت‌های اجتماعی کمتر نیست. دولت مکلف است در این باره اقدام کند و زمینه شناسایی واقعی اشخاص را فراهم نماید و از فریب کاری‌ها جلوگیری کند این اقدام به سلامت و امنیت جامعه کمک می‌کند و در تنظیم روابط اجتماعی سهم بسزایی دارد.

### واژه های کلیدی:

ازدواج غیر رشید، نکاح مجنون، نکاح بیمار جسمی و روحی، پروانه ازدواج.

## گفتار یکم - ازدواج غیر رشید (سفیه) ۱- سکوت قانون مدنی و نظر استادان

قانون مدنی ایران درباره ازدواج سفیه نص صریحی ندارد. برخی از استادان با لحاظ این که حجر غیر رشید فقط در امور مالی است (ماده ۱۲۰۸)<sup>(۱)</sup> و ماده ۱۰۶۴ ق.م که در مقام بیان شرایط اهلیت زوجین بوده به لزوم رشد اشاره نکرده است، نکاح سفیه را مجاز شمرده‌اند.<sup>(۲)</sup> بعضی از استادان با وجود پذیرفتن تحلیل مذکور با در نظر گرفتن مبانی قانون مدنی و پیروی از عقیده فقیهان امامیه نکاح سفیه را بدون اذن ولی غیر نافذ و قانون مدنی را محمول بر نظر فقیهان امامیه دانسته‌اند.<sup>(۳)</sup> در برخی از نوشته‌های حقوقی نیز نظر قاطعی داده نشده و علی رغم تمایل به نظر اخیر دلایل نظر نخست قوی معرفی شده است.<sup>(۴)</sup> برای تحلیل عمیق، مطالعه تطبیقی در این باره ضروری به نظر می‌رسد.

۱- برخی از استادان این قول سه فرقه مذهبی را قول برتر تلقی کرده‌اند، محمد مصطفی شلی، احکام الاسرة فی

الاسلام، ص ۲۸۷. ۲- ناصر کاتوزیان، خانواده، ج ۱، ش ۴۷، ص ۸۴ و ۸۵.

۳- سید حسین صفائی و اسدالله امامی، خانواده، ش ۷۵، ص ۸۶ و ۸۷، و نیز ر.ک: محمد جعفر جعفری لنگرودی، حقوق خانواده، ش ۳۷، ص ۲۹.

۴- سید حسن صفائی و سید مرتضی قاسم زاده، اشخاص و مجبورین، ش ۲۳۶، ص ۲۱۲ و ۲۱۳.

## ۲- مطالعه تطبیقی ازدواج سفیه در فقه امامیه و فقه عامه و کشورهای عرب

### زبان

نظر فقیهان اسلامی اعم از امامیه و عامه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

#### الف - نظریه عدم نفوذ نکاح سفیه بدون اذن ولی

به گفته پاره‌ای از نویسندگان بیشتر فقیهان<sup>(۱)</sup> ازدواج سفیه را بدون اذن ولی نافذ نمی‌دانند و به دلایل ذیل استناد کرده‌اند:

۱- زواج احتیاج به مال دارد و از آنجا که سفیه در امور مالی محجور است، ازواج او بدون اذن ولی جایز نیست.<sup>(۲)</sup>

۲- عقیده به نفوذ زواج سفیه بدون اذن ولی و صرف مال در مهری که می‌پردازد به معنای موافقت با اتلاف مال است.<sup>(۳)</sup>

#### ب - نظریه نفوذ نکاح سفیه بدون اذن ولی

گروهی از فقیهان<sup>(۴)</sup> اسلام نکاح سفیه را بدون اذن ولی نافذ و معتبر دانسته به دلایل ذیل استناد کرده‌اند:

۱- احتیاج، سفیه را به ازدواج فرامی‌خواند و این امر برای وی ضروری است. هرگاه سفیه نتواند برای دیگری نکاح ببندد دست کم، نکاح برای خودش جایز است

۱- علامه حلی، قواعد، نقل از محمد جواد عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۵، ص ۲۷۴؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، فصل فی اولیاء العقد، مسأله ۷، ص ۲۲۵؛ فخر المحققین، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، ج ۳، ص ۱۸؛ السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، عروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۹۲.

۲- السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، عروة الوثقی، ج ۲، فصل فی اولیاء العقد، مسأله ۷، ص ۸۶۶.

۳- الشیرازی، المذهب، ۱/۳۳۲؛ الرملی، نهاية المحتاج، ۴/۳۵۶ هر دو به نقل از: محمد بحر العلوم، عیوب الارادة فی الشریعة الاسلامیة، ص ۴۱۸؛ در فقه امامیه: میرازی قمی، جامع الشتات، ج ۲، با تصحیح مرتضی رضوی، کیهان، ۱۳۷۱، ص ۴۶۵.

برخی از فقیهان امامیه در این باره گفته‌اند: و وجه عدم نفوذ نکاحه: ان النکاح تصرف فی المال، لما یرتّب علیه من المهر و النّفقه، و النّفیه محجور عن ذلك اجمالاً (سید محسن حکیم، مستمسک عروة الوثقی، ج ۱۴، ص ۴۵۹، مسأله ۷) لیکن ایشان در توضیح مسأله ۸ می‌گویند: وان الحجر یرتفع بالرشد فی المال: ان السفه فی غیر المالیات لا اثر له فی الحجر و یقتضیه عموم السلطنة... فان من الضروري انه لا ولاية علی السفیه فیها... همان، ص ۴۶۰ و ۴۶۱.

۴- این قدامه، المعنی، ۴/۴۲۴؛ این مودود موصلی، الاختیار ۲/۹۷، نقل از محمد بحر العلوم، همان، ص ۴۱۸.

مانند کسی که حقی نزد دیگری دارد و او را از آن باز بدارند و بدین سان رسیدن طلبکار به وی ممکن نباشد می‌تواند حقش را بدون رضای مدیون استیفا کند.<sup>(۱)</sup>

۲- نکاح عقد غیر مالی است پس انعقاد آن مانند (اجرای صیغه) طلاق و خلع برای سفیه صحیح است و اگر صرف مال برای ازدواج لازم باشد، حصول آن به طریق ضمنی مانع از عقد نمی‌شود، چنان‌که اگر در طلاق پرداخت مال لازم شود مانع از طلاق نمی‌شود.<sup>(۲)</sup>

۳- نکاح از نیازهای اصلی است و با پرداخت مهر المثل لازم می‌شود زیرا در آن غبنی نیست و مازاد بر مهر المثل باطل است زیرا تصرف در مال به شمار می‌رود و در این صورت (وضع متصرف) مانند بیمار مدیون می‌شود.<sup>(۳)</sup>

۴- اذن ولی در زواج اذن در مصلحت محض است و نکاح به منظور مال تشریح نشده است بنابراین سفیه در عقد نکاح به اذن ولی احتیاجی ندارد اگرچه در مال و امور مالی به اذن ولی محتاج باشد.<sup>(۴)</sup>

### ۳- نتیجه و پیشنهاد

نظریه عدم نفوذ نکاح سفیه بر پایه مصالح سفیه استوار شده است و ناتوانی سفیه در اداره امور مال تنها توجیه طرفداران این نظر می‌باشد. گرچه این توجیه در نخستین نگاه، به ویژه از آن جهت که نکاح قرارداد مربوط به زندگی است و اداره زندگی خانوادگی بدون تصرف در مال امکان‌پذیر نیست، معقول و منطقی می‌نماید لیکن با کمی دقت در مسأله و مروری کوتاه بر قواعد عمومی به ایراد نظریه می‌توان پی برد. نکاح، گرچه احکام مهم مالی مانند مهر و نفقه دارد ولی، خود عقد مالی نیست. بنابراین سفیه می‌تواند، مانند تمام امور غیر مالی، در امر نکاح خویش تصمیم بگیرد و طرف ایجاب یا قبول باشد. به علاوه، گاه، مصلحت و ضرورت نیز ایجاب می‌کند که سفیه خود بتواند با فرد دلخواه خویش ازدواج کند. بدیهی است که در این مورد نیز مانند دیگر موارد سرپرست قانونی سفیه (ولی باشد یا قیم) امور مالی او را اداره می‌کند ولی نکاح و تشکیل خانواده منوط به اذن کسی نیست زیرا در امور غیر مالی هیچ کس بر سفیه ولایت ندارد.

۱- علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۶۱۱. ۲- ابن قدامه، المغنی، ج ۴، ص ۴۲۴.

۳- ابن مودود الموصلی، الاختیار، ج ۲، ص ۹۷، نقل از محمد بحر العلوم، همان.

۴- البهوتی، کشف القناع، ج ۳، ص ۴۲۵، نقل از همان.

با وجود این، چون تجربه نشان داده است که در صورت سفیه بودن زوج و عدم اطلاع زوجه از این خبر، اختلافاتی بین زن و شوهر پدید می‌آید و در پاره‌ای از موارد حتی به طلاق می‌انجامد پیشنهاد می‌گردد که پیش از اجرای صیغه نکاح، سر دفتر به داوطلبان ازدواجی که کمتر از ۱۸ سال دارند بگوید که می‌توانند از طرف دیگر حکم رشد بخواهند و گرنه رشید محسوب می‌شود. در عقدنامه مجبوران باید نام ولی یا قیم وی در امور مالی قید شود. بر طبق ماده ۷ مقررات احوال شخصیه تونس نکاح سفیه بدون موافقت ولی نافذ نیست و ولی می‌تواند پیش از نزدیکی فسخ نکاح سفیه را از دادگاه بخواهد.<sup>(۱)</sup> در صورتی که ماده ۳۳ قانون احوال شخصیه کویت مقرر می‌دارد: «کسی که در حال سفیه بودن بالغ شده است می‌تواند خود ازدواج کند.»<sup>(۲)</sup>

### گفتار دوم - نکاح مجنون

#### ۴- حقوق ایران

تردیدی نیست که مجنون به علت نداشتن اراده نمی‌تواند شخصاً طرف هیچ یک از قراردادهای واقع شود و به طور کلی تمام اعمال حقوقی او اعم از عقد یا ایقاع باطل است.<sup>(۳)</sup> نکاح نیز عقد است و هر گاه یکی از دو طرف آن خواه مرد و خواه زن دیوانه باشد نکاح باطل است زیرا دیوانه فاقد اراده است و نمی‌تواند قصد انشاء بکند.

با وجود این، ممکن است پدر یا جد پدری به ولایت از کودک مجنون یا مجنون بالغی که جنون وی به دوران کودکی متصل است، عقد نکاح منعقد کند.<sup>(۴)</sup> البته، چنان که می‌دانیم، ولی در صورتی مجاز به انعقاد قرارداد نکاح است که اقدام او در این باره ضروری و به مصلحت مجنون باشد.

ولایت جد منوط به حیات و مرگ پدر نیست. هر یک از پدر یا جد پدری به طور مستقل ولایت دارد. در صورت مرگ یکی دیگری ولایت دارد و هر کدام در تزویج

۱- ماده ۷- زواج المحجور علیه بسفه لایکون صحیحاً الا بعد موافقة المحجور له و للمحجور له ان يطلب من الحاكم فسخه قبل البناء...

۲- ماده ۳۳- الف - من بلغ سفیهاً، او طراً علیه السفه، له ان يزوج نفسه.

ب - اذا كان زواجه بعد الحجر فلولى المال أن يعترض على ما زاد على المهر المثل.

۳- شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۱۴۳.

۴- امام خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۲۵۴، مسألة ۴۱ شیخ محمد حسن نجفی، همان، ج ۲۹، ص ۱۴۳.

مولی علیه زودتر اقدام کرد نکاح او معتبر است. در صورتی هر دو با هم اقدام کنند عقدی که جد پدری بسته است بر عقد پدر مقدم است.<sup>(۱)</sup>

مادر، جد مادری، برادر، عمو، دایی و اولاد آنها اختیاری در ازدواج مولی علیه مجنون ندارند.<sup>(۲)</sup> لیکن هر گاه یکی از نامبردگان قیم مجنون باشد در صورت مصلحت و با اجازه دادستان می‌تواند برای مجنون عقد نکاح منعقد کند. در ماده ۸۸ ق.ا.ح.می‌خوانیم: «در صورتی که پزشک ازدواج مجنون را لازم بداند، قیم با اجازه دادستان می‌تواند برای مجنون ازدواج نماید...» برخی از استادان<sup>(۳)</sup> به استناد نظر فقیهان امامیه گفته‌اند: وصی منصوب از طرف ولی قهری نیز می‌تواند، در صورت ضرورت برای مجنون نکاح کند و برای این اقدام به اجازه دادستان نیازی ندارد.<sup>(۴)</sup> در صورتی که جنون پس از بلوغ و عقل حادث شود، به گفته برخی از فقیهان امامیه اثبات ولایت پدر و جد پدری بعد از زوال آن مأخذ واضحی ندارد.<sup>(۵)</sup> و اگر پدر و جد پدری نباشد حاکم ولایت دارد خواه جنون متصل به صغر باشد خواه جنون عارضی (حادث).<sup>(۶)</sup>

#### ۵- فقه عامه و حقوق تطبیقی

فقیهان عامه به اتفاق آراء عقل زوج یا زوجه را شرط صحت نکاح نمی‌دانند.<sup>(۷)</sup> بنابراین برای صحت عقد ازدواج عقل طرفین عقد نکاح شرط نیست و ولی دیوانه

۱- امام خمینی، همان، ص ۲۵۶ و ۲۵۵، مسألة ۳. ۲- همان، ص ۲۵۴، مسألة ۱.

۳- ناصر کاتوزیان، همان، ش ۴۸، ص ۸۸؛ سید حسین صفائی و اسدالله امامی، همان، ش ۷۶، ص ۸۷ و ۸۸.

۴- شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۱۹۱؛ محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۲۲۷.

۵-... اما در نکاح: پس ولایت طفل و مجنون که جنون او متصل به صغر باشد، با پدر و جد پدری است. و اما هر گاه جنون عارضی شود بعد از بلوغ و عقل، پس خلافتی است در اینکه ولی حاکم است؟ یا پدر؟ و اثبات ولایت از برای پدر و جد بعد از زوال آن مأخذ واضحی ندارد. میرزا ابی القاسم بن الحسن الجیلانی القمی معروف به میرزای قمی، جامع الشتات، ج ۲، سازمان انتشارات کیهان، با تصحیح مرتضی رضوی، ۱۳۷۱، ص ۴۶۴.

۶- همان، ص ۴۶۵.

۷- وهبة الزحیلی، همان، ص ۶۶۷۸؛ حتی ابن شبرمة و یارانش نیز در این عقیده با سایر فقیهان اتفاق نظر دارند،

مصطفی السباعی، همان، ص ۱۱۸.

می تواند برای مجنون یا معتوه<sup>(۱)</sup> خواه کودک باشد یا کبیر، بکر باشد یا ثیب قرارداد ازدواج ببندد.<sup>(۲)</sup> در صورتی در قوانین موضوعه پاره‌ای از کشورهای عربی برخلاف نظر فقیهان ازدواج مجنون به تأیید پزشک و اذن قاضی موکول شده است.<sup>(۳)</sup> به موجب بند ۲ ماده ۱۵ احوال شخصیه سوریه: قاضی می تواند پس از تأیید هیأت پزشکی امراض روانی مبنی بر مفید بودن نکاح در بهبودی مجنون یا معتوه برای نکاح آنان اذن دهد.<sup>(۴)</sup> ماده ۷ قانون احوال شخصیه عراق نیز حکمی مشابه با قانون مصر دارد.

در بند ۲ ماده ۷ مذکور آمده است: قاضی می تواند به یکی از زن یا مردی که مرض عقلی دارد اذن ازدواج دهد در صورتی که با گواهی پزشکی ثابت گردد نکاح وی به ضرر جامعه نیست و به مصلحت خودش است مشروط بر اینکه طرف دیگر ازدواج با او را به طور صریح قبول نماید.

بر طبق بند ۱ ماده ۱۱ قانون احوال شخصیه یمن مصوب ۱۹۹۲: «عقد نکاح مجنون یا معتوه منعقد نمی شود مگر به وسیله ولی او پس از صدور اذن از طرف قاضی به این امر»

بند ۲ این ماده می گوید: «قاضی به نکاح مجنون یا معتوه اذن نمی دهد مگر با تحقق شرایط ذیل:

الف - قبول طرف دیگر با ازدواج پس از اطلاع از حالت وی؛

ب - مرض وی از امراضی نباشد که به نسل وی منتقل می شود؛

ج - ازدواج با وی به مصلحت او باشد و ضرری برای دیگری نداشته باشد.»

۱ - در فقه عامه معتوه به کسی گفته می شود که دیوانه نیست ولی در گفتار و کردار (اعمال) لنگ است، مصطفی السباعی، همان، ماده ۹۴۵ المجله می گوید: المعتوه هو الذی اختل شعوره بان کان فهمة قليلاً و کلامه مختلطاً و تدبیره فاسداً و لکنه لا یضرب و لا یشتم کالمجنون بل یکون کلامه مختلطاً فبعضه یشبهه کلام العقلاء و بعضه یشبهه الفاظ المجانین.

و نیز ر.ک: سید حسین صفائی، و سید مرتضی قاسم زاده، اشخاص و محجورین، ش ۲۳۸.

۲ - وهبة الزحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۹، برای مطالعه بیشتر در آراء مذاهب چهارگانه ر.ک: همان ص ۶۶۸۷ و

۶۶۸۸؛ مصطفی السباعی، همان، ص ۱۱۹؛ محمد مصطفی ثلثی، همان، ص ۲۸۵ به بعد.

۳ - مصطفی السباعی، شرح القانون الاحوال الشخصیة، ج ۱، همان، ص ۱۲۰.

۴ - نقل از وهبة الزحیلی، ص ۶۶۸۸؛ و نیز ر.ک: مصطفی السباعی، ص ۱۲۰.

در بند الف ماده ۲۴ قانون احوال شخصیه کویت می‌خوانیم: «در اهلیت برای نکاح عقل و بلوغ شرط است.»

در بند ب همین ماده آمده است: «هر گاه با گواهی پزشک ثابت شود که نکاح مجنون یا معتوه در بهبود یافتن وی مفید است و طرف دیگر به این حالت او راضی باشد، قاضی می‌تواند به ازدواج مجنون یا معتوه، مذکر باشد یا مؤنث اذن دهد.»

### گفتار سوم - ازدواج کسی که بیماری مسری جسمی یا مرض روحی دارد

#### ۶- فقدان پیشینه قانونگذاری

قانونگذار، تاکنون به این مسأله مهم نپرداخته است و درباره نکاح کسانی که مرض مسری جسمی یا مرض روحی دارند منع یا محدودیت مهمی ایجاد نکرده است. در کتابهای فقهی و حقوقی نیز این عنوان، در موانع نکاح، به چشم نمی‌خورد. البته از نظر فقهی و حقوق اصل آزادی و حاکمیت آراه ایجاب می‌کند که هر کسی بتواند با شخص دلخواه خویش ازدواج کند و موانع نکاح محدود به مواردی است که شرع و قانون معین کرده است. به علاوه در صورتی که ازدواج مجنون با شرایطی پذیرفته شده است چگونه می‌توان مریض جسمی یا روانی را از این حق طبیعی محروم کرد چه ممکن است در پاره‌ای از موارد به عقیده روانشناس اجتماعی یا پزشک متخصص، دلیل یا اماره‌ای وجود داشته باشد که ازدواج شخص بیمار در بهبود جسمی و روانی او یا تقلیل توقف عوارض خطرناک مرض مؤثر است. با وجود این، به نظر می‌رسد که در شرایط حساس کنونی که انواع بیماری‌های خطرناک مسری بدون درمان یا صعب‌العلاج رواج یافته و سلامت خانواده‌ها و امنیت جسمی و روانی جامعه را نیز به خطر انداخته است به گونه‌ای که تهدید و آسیب‌پذیری جامعه در این باره کمتر از تهدیدهای دشمن خطرناک مسلح به پیشرفته‌ترین سلاحهای جنگی نیست و این خطر اکنون به واقع در جوامع کنونی، به ویژه کشورهای جهان سوم نیز وجود دارد. پس باید چاره‌ای اندیشید و برای حمایت از نظم عمومی و تأمین سلامت جامعه دست کم پاره‌ای مقررات محدود کننده که بیشتر جنبه پیشگیری و هشدار دهنده دارند، ایجاد کرد. از طرف دیگر بیماریهای مختلف روانی زن یا شوهر نیز، به ویژه در صورتی که ناشناخته است، مانع تربیت سالم فرزندان شده، گاه به طلاق و جدایی زن و شوهر نیز منتهی می‌شود. وانگهی بدون تردید هر کسی حق دارد که شریک آینده زندگی خود را بشناسد و از سلامت جسمی و روانی او آگاه گردد. اهمیت و ارزش اطلاعات داوطلب نکاح درباره سالم بودن طرف اگر بیشتر از دیگر اطلاعات



نباشد، کمتر نیست. برای مثال خطر ناآگاهی زن از این که شوهرش ایدز یا هیپاتیت دارد بیشتر از ناآگاهی او درباره متاهل بودن یا حتی جنون وی است یا خطر ناآگاهی شوهر درباره مبتلا بودن زن به بیماریهای مذکور با ناآگاهی وی درباره پیسی، باکره بودن قابل مقایسه نیست.

گرچه برای حمایت از طرف ناآگاه در پاره‌ای از موارد و به طور محدود می‌توان از مقررات موجود نیز محمل قانونی یافت. برای مثال شخص ناآگاه از بیماری خطرناک جسمی و مرض روانی می‌تواند به شرط ضمنی سالم بودن طرف از بیماری خطرناک، که نوعاً عقد بر مبنای آن بسته می‌شود، استناد کند و به محض اطلاع فوراً عقد را به استناد ماده ۱۱۲۸ ق.م.فسخ کند. ولی این وظیفه دولت است که در این باره فوراً و به طور جدی و همه جانبه اقدام کند و در زمینه حقوقی، لایحه‌ای را تهیه و به تصویب مجلس برساند. نمایندگان مردم در مجلس نیز باید به نوبه خود مقررات جامع و بازدارنده‌ای را در قالب طرح‌های حقوقی تهیه و به تصویب برسانند.

#### ۷- پیشنهاد

به نظر می‌رسد که دولت و مجلس وظیفه دارند برای پیشگیری از بیماری‌های خطرناک و حمایت خانواده‌ها و جامعه، در بعد حقوقی، مقررات جامعی را در قالب لوایح یا طرح‌های قانونی فراهم کرده و به تصویب برسانند؛ پیشنهادهای ما در این باره از قرار ذیل است:

۱- دولت مکلف است با تشکیل کلاسهای مختلف آموزشی رایگان برای داوطلبان ازدواج آنان را به اهمیت نکاح، تکالیف مذهبی، اخلاقی و اجتماعی و نیز به حقوق و تکالیف یکدیگر آشنا سازد. زمان و کیفیت تشکیل کلاسها و چگونگی شرکت داوطلب را آیین نامه اجرائی این قانون معین می‌کند.

۲- دفاتر اسناد رسمی ازدواج و عاقدان مکلفند از داوطلبان ازدواج گواهی شرکت در کلاسهای مذکور را بخواهند. عاقد یا سردفتری که بدون اخذ گواهی اقدام کند، به پرداخت پانصد هزار ریال جریمه و محرومیت یک ساله از کار محکوم خواهد شد.

۳- داوطلبان ازدواج مکلفند گواهی سلامت از بیماریهای مسری را که وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی لیست آنها را هر ساله معین می‌کند، از مراکز تعیین شده اخذ و به عاقد و سردفتر ارایه نمایند. عاقد یا سردفتر متخلف به مجازاتهای ماده ۲ محکوم می‌گردد.

در عقدنامه‌ها باید قید شود که زن یا شوهر با آگاهی از بیماری طرف مقابل با او ازدواج کرده است.

### فهرست منابع و مأخذ

- ۱- ابن قدامة، موفق الدین ابن محمد بن احمد بن قدامة، الشرح الكبير، شمس الدین ابن عمر بن قدامة، المغنی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۹۲ هـ ق، ۱۹۷۲ م.
- ۲- بحر العلوم، محمد، عیوب الارادة فی الشریعة الاسلامیة، قاهرة و بیروت ۱۴۰۰ هـ ق، ۱۹۸۰ م.
- ۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دوره متوسط حقوق مدنی، حقوق خانواده، چاپخانه حیدری، بی نا، ۱۳۵۵.
- ۴- حکیم، سیّد محسن، مستمسک عروة الوثقی، ج ۱۴، بیروت، دارالاحیاء، التراث العربی، بی تا.
- ۵- الحلّی، ابی طالب محمد بن الحسین بن یوسف بن المطهر، معروف به فخر المحققین، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، ج ۳، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۹ هـ ق.
- ۶- الحلّی، الحسن بن یوسف بن علی بن مطهر الحلّی؛ معروف به علامه حلّی، تذکرة الفقهاء، ج ۲، المكتبة المرتضوية لاحیاء آثار الجعفریة، بی تا.
- ۷- الخمینی، روح الله الموسوی، تحریر الوسیلة، قم، چاپ مهر، مؤسسه دارالعلم، بی تا.
- ۸- الزحیلی، وهبة، الفقه الاسلامی وادلته، ج ۹، دمشق، دارالفکر المعاصر، بی تا.
- ۹- السباعی، مصطفی، شرح قانون الاحوال الشخصیة، ج ۱، الزواج و انحلاله، بیروت و دمشق و عمان، المكتبة الاسلامی، ۱۴۷۱ هـ ق، ۱۹۹۷ م.
- ۱۰- شلبی، محمد مصطفی، احکام الاسرة فی الاسلام، دراسة مقارنة بین الفقه المذاهب السنیة و المذاهب الجعفری و القانون، بیروت، دارالنهضة العربیة، ۱۳۹۳ هـ ق- ۱۹۷۳ م.
- ۱۱- سیّد حسین صفائی و اسدالله امامی، حقوق خانواده نکاح و انحلال آن (فسخ و طلاق)، ج ۱، ۴، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۲- سیّد حسین صفائی و سیّد مرتضی قاسم زاده، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، سمت، چاپ ششم، ۱۳۸۰.

- ١٣- الطباطبائى يزدى، سيد محمد كاظم، العروة الوثقى، ج ٢، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية، بى تا
- ١٤- العاملى، محمد جواد الحسينى، مفتاح الكرامة، ج ٥، مؤسسه آل البيت، بى تا.
- ١٥- قانون احوال شخصيه تونس
- ١٦- قانون احوال شخصيه سوريه
- ١٧- قانون احوال شخصيه عراق
- ١٨- قانون احوال شخصيه كويت
- ١٩- قانون احوال شخصيه مصر، القمى (الجيلانى)، ميرزا ابوالقاسم بن الحسن، معروف به ميرزائى قمى، ج ٢، با تصحيح مرتضى رضوى،
- ٢٠- كاتوزيان، حقوق مدنى، خانواده، ج ١، نكاح و طلاق - روابط زن و شوهر، شركت انتشار با همكارى بهمن برنا، ١٣٧١.
- ٢١- مجلة الاحكام العدليه، قانون مدنى كشور عثمانى سابق.
- ٢٢- نجفى - شيخ محمد حسن، جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، ج ٢٩، بيروت، دار الاحياء التراث العربى، بى تا.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی